

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال پنجم محقق نائینی(ره):

آخرین اشکالی که مرحوم نائینی(قدس سره شریف) بر مرحوم آخوند(ره) بیان کرده این است که همین حکومتی که در باب اصول عملیه قائل‌اید، باید در باب امارات هم همین را قائل شوید، چرا بین اصول عملیه و امارات شما فرق گذاشته اید؟

بیان مرحوم نائینی(ره) این است که فرموده‌اند: مرحوم آخوند گفته: «کل شیء لک طاهر» بر آن ادله‌ای که طهارت را به عنوان شرط قرار می‌دهد حکومت دارد و ادله اشتراط را توسعه می‌دهد، اما عرض می‌کنیم که جهت حکومت چیست؟ و به چه جهت حکومت دارد؟ جهت حکومت این است که این اصل عملی اصالة الطهارة، در مورد خودش جعل حکم مماثل می‌کند و یک حکم و طهارت ظاهری را جعل می‌کند و بعد از این جعل، بر «لا صلاة إلا بطهور» حکومت پیدا می‌کند و «طهور» در آن دلیل را توسعه می‌دهد.

حال مرحوم نائینی(ره) فرموده: همین بیان در باب امارات هم وجود دارد، در امارات مثل خبر واحد یا بینه، اگر بینه بر طهارت یک مورد قائم شد، این بینه یک حکم مماثل جعل می‌کند، بنابراین چرا در امارات مسئله حکومت را قائل نیستید، اما در اصول عملیه مسئله حکومت را قائلید؟ اصلاً مرحوم آخوند(ره) هم از همین راه بین اصول عملیه و امارات فرق گذاشته و فرموده‌اند: در باب اصول عملیه یک حکومتی را داریم و لذا در آنجا قائل به اجزاء شده‌اند، اما در باب امارات چنین حکومتی نیست، و لذا قائل به اجزاء نشده‌اند.

اشکال مرحوم نائینی(ره) این است که همان جهت حکومتی که در اصول عملیه وجود دارد، همان جهت حکومت در باب امارات هم وجود دارد و در هر دو جعل حکم مماثل می‌کند.

نقد و بررسی اشکال پنجم مرحوم نائینی(ره)

در اینجا چند جواب از این اشکال مرحوم نائینی(ره) داده شده است.

جواب اول:

جواب اول این است که مرحوم آخوند(ره) در باب امارات قائل به جعل حکم مماثل نیست و اصلاً مبنای مرحوم آخوند(ره) در باب امارات بر خلاف نظریه مشهور است.

مشهور در باب امارات قائل‌اند به اینکه جعل حکم مماثل می‌شود، یعنی وقتی می‌گوییم خبر واحد حجت است، مثلاً زراره می‌گوید: نماز جمعه واجب است، این اماره یک وجوب نماز جمعه‌ای را که مماثل با آن حکم واقعیست جعل می‌کند، اما مرحوم آخوند(ره) در باب امارات این نظریه را نداشته و در باب امارات جعل حکم مماثل را نپذیرفته‌اند و آن مقداری که در باب امارات پذیرفته‌اند، همین مقدار هست که اماره از باب طریقت إلی الواقع حجیت دارد و فقط به صرف این است که اماره عنوان طریقی دارد، کما اینکه مرحوم نائینی(ره) هم همین نظریه را داشته‌اند. حتی ایشان در باب حجیت امارات، طبق نظریه مشهور قائل نیست، بلکه ایشان هم از باب طریقت و یا اصطلاح دیگری به نام تتمیم کشف داشته‌اند که گاهی اوقات هم از آن به علم تعبدی تعبیر کرده‌اند.

مرحوم نائینی(ره) فرموده: شارع یک طریقی را حجت قرار داده که خودش یک کشف ناقص دارد، اما کاشفیت تامه ندارد و شارع که این طریق را حجت قرار داده، حجیت طریق به این معناست که شارع آن را به منزله کشف تام قرار داده است که عین همین نظریه را آخوند(ره) هم داشته است، یعنی بین مرحوم آخوند و مرحوم نائینی(قدس سرهما) در این جهت اشتراک است که هر دو با نظریه مشهور مخالف‌اند، مشهور در باب امارات قائل به جعل حکم مماثلند، اما هم مرحوم نائینی و هم مرحوم آخوند(قدس سرهما) این نظریه‌ی مشهور را قائل نیستند، اما در اینکه مجعول چیست؟ یک اختلاف دیگری دارند.

بنابراین اولین ایرادی که به این اشکال مرحوم نائینی(ره) وارد می‌شود این است که این ایراد بنا بر نظریه مشهور در باب حجیت امارات وارد است که قائل به جعل حکم مماثلند، اما مرحوم آخوند و مرحوم نائینی(قدس سرهما) نظریه مشهور در باب حجیت امارات را قائل نیستند، لذا دیگر این اشکال بر مرحوم آخوند(ره) وارد نیست.

جواب دوم: جواب محقق اصفهانی

جواب دوم از فرمایش نائینی(ره) جوابی است که مرحوم محقق اصفهانی(اعلی الله مقامه شریف) بیان کرده و فرموده‌اند: اینکه آخوند(ره) در اصول عملیه حکومت را قائل شده و گفته: اصالة الطهارة بر «کل شيء لک طاهر» حکومت دارد، اما بینه بر طهارت بر «کل شيء لک طاهر» حکومت ندارد، سرّش اختلاف در لسان دلیل اینهاست، لسان دلیل اماره با لسان دلیل اصل مختلف است و این اختلاف در لسان دلیل سبب شده است که در باب اصل حکومت را بپذیریم، اما در امارات این حکومت پذیرفته نشود.

مرحوم اصفهانی(ره) فرموده: «کل شيء لک طاهر» ابتداءً جعل طهارت می‌کند، یعنی اصلاً هیچ نظری به واقع ندارد، حال شارع می‌فرماید: در فرض شک و در صورتی که شک داری، برایت با «کل شيء لک طاهر» جعل طهارت می‌کنم، لذا دلیل اصول عملیه طهارت را ابتداءً جعل می‌کند و هیچ نظری به واقع ندارد، به خلاف اماره که وقتی مثلاً در روایتی می‌گوید: «قال الصادق علیه السلام صلاة الجمعة واجبة»، نماز جمعه واجب است، و یا این نظر به واقع دارد، یعنی به این طریق می‌خواهد واقع را برای ما روشن کند، پس لسان اماره جعل یک حکم ابتداءً نیست، بلکه به واقع نظر دارد.

به عبارت دیگر در اصل اصلاً کشف خلاف نداریم، شارع می‌فرماید: در ظرف شک آنچه برایت جعل می‌کنم طهارت است، وقتی که شک داری که آیا این شيء پاک است یا نجس؟ در ظرف شک آنچه جعل می‌کنم عبارت از طهارت است که اصلاً کشف خلاف در آن معنا ندارد. بلکه ممکن است که موضوع عوض شود، یعنی شک از بین برود و به موضوع دیگر تبدیل شود، اما این تبدیل در موضوع است که تبدیل در موضوع یک مطلبی است و کشف خلاف مطلب دیگری است.

مثلاً اگر گفتیم که: مادامی که در این مدرس نشستید، باید بحث اصول بخوانید، اما اگر در مدرس دیگری رفتید، در آنجا بحث فقه می‌خوانید، لذا وقتی از اینجا به مدرس دیگری می‌روید، نمی‌توانید بگویید که: برای ما کشف خلاف شد، بلکه موضوع تبدیل و

تغییر پیدا می‌کند.

در اصول عملیه هم چون شارع با «کل شیء لک طاهر» طهارت را جعل کرده و اصلاً نظری به واقع ندارد، لذا مادامی که در شک هستید، «کل شیء طاهر» طهارت را جعل می‌کند و دیگر در آن کشف خلاف معنا ندارد، اما در باب امارات لسان دلیل اماره نظر به واقع دارد و کشف از واقع می‌کند، و لذا اگر بعداً هم خلافتش مشخص شد، در آنجا انکشاف خلاف خیلی روشن است.

بنابراین مرحوم اصفهانی(ره) فرموده: طبق این بیان فرق بین اصول عملیه و بین اماره، «إِنَّمَا هُوَ فِي لِسَانِ دَلِيلِهِمَا»، اختلاف در لسان دلیل اینهاست که در اصول عملیه، دلیل نظری به واقع ندارد، اما در امارات آن دلیلی که اماره را حجت قرار می‌دهد نظر به واقع دارد.

پس به مرحوم نائینی(ره) عرض می‌کنیم که در اصول عملیه، چون نظر به واقع ندارد، قابلیت این را دارد که اصاله الطهاره، این «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْرٍ» را توسعه داده و بگوید: اعم از طهارت واقعی و طهارت ظاهری است، اما چون لسان بین بر طهارت نظر به واقع و کاشفیت از واقعه دارد، لذا نمی‌تواند در «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْرٍ» توسعه دهد. پس علت حکومت در اصل و علت عدم حکومت در باب امارات مشخص شد.

نظریه مرحوم آقای بروجردی(ره) بر اجزاء در امارات و اصول

در اینجا یک بیان مفصلي را هم مرحوم آقای بروجردی(قدس سره الشریف)(نهایة الأصول، ص 144) داشته‌اند. ایشان در ابتدا اشکال مرحوم نائینی(ره) را بیان کرده و تقریباً همین جواب مرحوم اصفهانی(ره) در رد مرحوم نائینی(ره) را کافی دانسته و فرموده‌اند: در دفاع از آخوند(ره) باید بگوییم که: در اصول علت حکومت این است که یک طهارتی جعل شده است، اما در امارات جعل حکم نیست.

بعد از این مرحوم بروجردی(ره) یک اشکال اساسی بر مرحوم آخوند(ره) وارد کرده و فرموده‌اند: اصلاً وجهی ندارد که بین اصل و اماره در ما نحن فیه فرق بگذاریم. خلاصه بیان ایشان این است که اصل و اماره در یک مطلب با یکدیگر اشتراک دارند و آن این است که همان طور که در اصول عملیه واجب است که عمل بر طبق اصل باشد، در باب امارات هم باید بر طبق اماره عمل کنیم.

ایشان فرموده: دلیلی که اماره را حجت قرار می‌دهد، این دلیل می‌گوید: «يَجِبُ الْعَمَلُ عَلَى طَبَقِ خَبَرِ زَرَارِهِ، يَجِبُ الْعَمَلُ عَلَى طَبَقِ الْأَمَارَةِ»، پس در این جهت بین اصل و اماره فرقی وجود ندارد. اصالت الطهاره می‌گوید: در مقام عمل باید بنا را بر طهارت بگذارید و دلیل حجیت خبر واحد هم می‌گوید: در مقام عمل باید بر طبق خبر واحد عمل کنید.

بنابراین مرحوم آقای بروجردی(ره) فرموده‌اند: بین اصل و اماره از این جهت که باید بر طبق هر دو عمل شود، هیچ فرقی وجود ندارد، و لذا اصلاً ایشان از همین راه وارد شده و فرموده‌اند: در باب اجزاء قائل به اجزاء می‌شویم مطلقاً، هم در اصول عملیه و هم در باب امارات.

پس در حقیقت در اینجا سه نظریه وجود دارد؛ یک نظریه این است که اجزاء را نپذیریم، نه در اصول عملیه و نه در باب امارات، نظریه دوم این است که اجزاء را بپذیریم، هم در اصول عملیه و هم در باب امارات که مرحوم آقای بروجردی(ره) قائل است و نظریه سوم هم این تفصیلی است که مرحوم آخوند(ره) داده‌اند که در اصول عملیه اجزاء را بپذیریم، از باب اینکه در

اصول عملیه حکومت وجود دارد، اما در باب امارات، چون حکومت وجود ندارد، اجزاء را نپذیریم که مرحوم آخوند و مرحوم امام و مرحوم آقای خوئی (قدس سرهم) و عده‌ی زیادی همین نظریه را پذیرفته‌اند.

دو نکته در کلام آقای بروجردی (ره)

مرحوم آقای بروجردی (ره) در اینجا دو نکته هم داشته‌اند؛

نکته اول:

یک نکته این است که فرموده‌اند: مراد از این حکم ظاهری در باب امارات وجود دارد، آن حکمی نیست که معنای خبر واحد است، کما اینکه مشهور این را گفته‌اند.

مشهور گفته‌اند: حکم ظاهری در باب امارات همین است که مثلاً این خبر می‌گوید: «صلوات جمعه واجب است» که این حکم ظاهری موصل می‌شود، اما مرحوم آقای بروجردی (ره) فرموده: در باب امارات شارع مثلاً یک حکمی به حجیت خبر واحد کرده که این حکم به حجیت، خودش یک حکم ظاهری و مصداق برای حکم ظاهری است، یعنی واجب است که بر طبق خبر واحد عمل کنید.

پس یک نکته اینکه مراد از حکم ظاهری در باب امارات، مودای آن نیست که بگوییم: این مضمون اماره و خبر چه حکمی دارد؟ که مثلاً بگوییم: این خبر می‌گوید: نماز جمعه واجب است، پس حکم ظاهری وجوب نماز جمعه است، بلکه در باب امارات یک حکم به نام حجیت داریم که این حجیت حکم ظاهری مجعول در باب امارات است. آن وقت فرموده‌اند: حجیت یعنی باید عمل بر طبق این اماره باشد.

نکته دوم:

نکته دوم این است که اگر بگویید که: بین اصول و اماره فرقی وجود ندارد و در هر دو باید عملاً بر طبق آن عمل کنیم، پس چرا می‌گویید که: اماره بر اصول عملیه حکومت دارد؟ چرا می‌گویید: «الأصل دلیل حیث لا دلیل»؟ چرا می‌گویید: اصل در صورتی قابلیت عمل دارد که اماره نباشد؟

به عبارت دیگر مرحوم بروجردی (ره) بر خلاف مرحوم اصفهانی (ره) نظرشان این است که بین اصل و اماره از نظر لسان دلیل اختلافی نیست. اما مرحوم محقق اصفهانی فرموده: بین اصل و اماره از نظر لسان دلیل اختلاف است. حال مستشکل می‌گوید: اگر بین اینها از نظر لسان دلیل اختلاف وجود ندارد، پس چرا می‌گویید: اماره بر اصل حکومت دارد؟

ایشان در مقام جواب فرموده: عدم اختلاف سبب نمی‌شود که یکی شارح دیگری نباشد، اماره موضوع در اصل را تفسیر می‌کند و شارح موضوع در اصل است، و لذا چون شاریت و مفسریت وجود دارد، می‌گوییم که: اماره بر اصل حکومت دارد.

پس تا اینجا دقت فرمودید که یک نظر، نظریه مرحوم اصفهانی (ره) است که بین اماره و اصل از نظر لسان دلیل اختلاف است و یک نظر، نظریه مرحوم آقای بروجردی (ره) است که بین اماره و اصل از نظر لسان دلیل اختلافی وجود ندارد و هر دو در این مشترک هستند که «يجب علي المكلف العمل علي طبقهما».

همچنین عرض کردیم اصلاً مرحوم آقای بروجردی(ره) از همین راه وارد شده و گفته‌اند: در باب اجزاء نباید فرقی بین اصول عملیه و امارات بگذاریم.

حالا در این دو نظر دقت بفرمایید و ببینید که کدام یک درست و کدام یک ناتمام است؟

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين